نوجوان جادوگر همچنان رکورد می‌شکند، اما...

هری پاتر؛ نیک سیرت یا شیطان؟

منبع: آتلانتا جورنال ـ مترجم: وصال روحانی

همزمان با اکران چهارمین فیلم هری پاتر که هماتا جام آتش نام دارد و شروع فروش نجومی آن باید دوباره اعتراف کرد که این سری کارها توفیق تجاری خیره کننده‌ای داشته است و البته اصل ماجرا و این موفقیت را در کتابهای جی. کی. رولینگ بریتانیایی بجویید که فیلمهای فوق از روی آنها اقتباس و ساخته شده است. از این کتابها ۶ قصه چاپ شده و فقط قسمت هفتم (و ظاهراً آخر) مانده است که رولینگ در دست نگارش دارد ولی همان ۶ کتاب اول بیش از ۳۰۰ میلیون نسخه در سطح دنیا فروخته است و این به جز نسخه های غیرقانونی تکثیرشده در بسیاری از نقاط جهان است که هیچ کنترل و مهاری بر آن وجود ندارد و طبعاً قابل شمارش هم نیست.

با این حال بسیاری از جامعه شناسان بر این باورند که داستان و مضمون هری پاتر که رویکرد یک نوجوان عینکی و همکلاسی هایش به علم سحر و جادو و مستقر شدن شان در یک مدرسه آموزش جادوگری به نام هـاگ وارتز است، می تواند جنبه های بدآموزی بسیاری را داشته باشد و لطمات زیادی را به جامعه وارد کند و بچه ها و نوجوانان را به سمت کارهای خطرناک بکشاند و بدیهی است که تقلید از برخی حرکات ریسک آمیز کاراکترهای این کتابها و سری فیلمها نمی تواند بدفرجام نباشد.

همانطور که همگان انتظار داشته اند فیلم جدید هری پاتر باز جشنواره‌ای از فن و سرعت و رؤیا است و یک لحظه هم از حرکت و جادو و اسپشیال افکت های چشمگیر بی بهره نیست و این بار حتی تم فیلم از هر ۳ اثر قبلی تندتر و تیـره تـر و حـادثـه آمیز است و این مـی تـواند بـر تأثیرگذاری منفی فیلم نیز بیافزاید.

نماد نیکی

در عین حال عاشقان پاتر ادعا می کنند که او همیشه نماد نیکی و مشغول مبارزه با نماینده شریعنی کاراکتر لرد وولدمورت است و در نتیجه نباید نگران چیزی به نام بدآموزی از جانب وی و فیـلـمـهـای مـربـوطـه بـود. در عـیـن حـال استیوولبرگ که یک کشیش و واعظ کلیسا است در کتاب جدیدش به نام «نیروهای سیاه فکری» این فرضیه را مطرح کرده است که کتابها و فیلمهای پاتر در ورای قصه ساده ظاهری اش و آرزوهای شیرین و رویاگونه چند نوجوان، درباره وجود نیروهای پرشمار «شر» در جامعه امروز و تقابل همیشگی آن با نمایندهای نیکی است و نه در کتابها ونه در فیـلـمـها نمی خوانیم و نمی بینیم که راستی ها حقیقتاً بر کژی ها فایق آیند و این مسأله یک اثر مستقیم اما ناآشکار بد بر ذهن بینندگان می گذارد و همین که فرضیه وجود دائمی شیطان را مطرح می کند، تبلیغ نامنی است.

ویران گرانه

ولبرگ از این هم فراتر می رود. «بینید، در داستانهای پاتر شما کمتر کاراکتر خوبی را می یابید و حتی سه نوجوان مرکزی قصه نیز به نوعی نمادهای منفی هستند، زیرا پیوسته به دنبال سحر منفی و کارهای ویران گرانه هستند. در نتیجـه بـرخـلاف آنچـه رولـینـگ درمورد کتابهایش و سران استودیوهای فیلمسازی درباره برداشتهای سینمایی موجود از روی قصه پاتر می گویند ما با رودرویی کلاسیک نیکی و شر مواجه نیستیم بلکه شیطانهای معمولی (پاتر و دوسـتـانـش در بـرابـر شـیـطـانـهـای بـزرگـتـر می ایستند. رولینگ به ما این حرف مسخره را می زند که می توانید به عالم سیاه جادو و سحر وارد شوید ولی در نهایت یک ساحر خوب و سالم باشید ولی می دانیم که چنین چیزی وجود ندارد و اگر قوه جادو به شما دست بدهد و بر شما حلول کند، خوب و بد نمی شناسد و این نیرو اصولاً و معمولاً انسانی و خیرخواهانه نیست. چگونه می توان یک شیطان خوب بود؟»

> یک کشیش: این چگونه قهرمانی است که ۲۴ ساعته دروغ می گوید، قانون شکنی می کند، اهل کلک و ریا است و تنها چیزی که دوست دارد، سحر و جادوی سیاه است؟

ساحرها و اژدها

به اعـتـقـاد ولـبـرگ و هـمـفـکـران او پاتر چندسالی است که یک فضا و برداشت تیره را بر جهان و مراودات و فرهنگ آن حاکم ساخته و مردم بدون اینکه متوجه شده باشند، رویدادهای آن را تعقیب می کنند و به آن دل می سپرند، حال آنکه در واقع باور جادوی منفی را در وجود خود می نشانند ومی پرورانند.

تمام زندگی پاتر و دوستانش سرشار از جادوگران مرد، ساحره های زن، اشباح و حتی اژدهاها و اشیای مشکوک پرنده است و اصولاً بافت و زیرینا و تمام ماهیت قصه های پاتر همین چیزها هستند و امکان ندارد که این قضایا در رسوخ به ذهن خواننده کتابها و بیننده فیلمها اثر منفی نگذارد.

در نقطه مقابل، حامیان رولینگ و موجود عینکی بسیار مورد توجه خلق شده توسط وی نظریه های فوق را رد می کنند و می گویند مخالفان به این نکته اصلی و بنیادین و ساده هم توجه مبذول نمی دارند که پاتر در نهایت یک قصه است و تمام کاراکترهایی که می بینیم، خواب و خیالی بیش نیستند. ملیسا آگنلی یکی از سران سایت اینترنتی هواداران پاتر که آن را «Leaky Cauldron» نامگذاری کرده‌اند، می گوید: «این اصلاً یک بحث احمقانه است زیرا کاراکتر اصلی ما کسی است که ذاتاً نیت بدی ندارد و برعکس تصمیم‌های درستی می گیرد. و ماجراجو هست اما قاتل نیست. نوجوانی است که در آن اسم و یادی از جادو و سحر می شود، جمع آوری کپن‌ها؟ در آن صورت نه فقط کتابهای من بلکه بسیاری از کتابهای دیگر و حتی آثار کلاسیک ادبیات باید برچیده و محو گردند.»

بدآموزی

مشکل هری پاتر فقط به سحر و جادو و این مسأله خاص منتهی و محدود نمی شود، زیرا ریچارد ابانس (که او هم نویسنده است) می گوید این کتابها و فیلمها یک سری پیامهای مغشوش و خطرناک اجتماعی را صادر و ساطع می کند و از نظر او چه چیزی از این بدتر که حتی قهرمانان قصه یعنی پاتر و دوستانش دائماً در حال انجام کارهای خطا و خلاف و مسائل غیرمثبت همانند سرقت، دروغگویی، تقلب و انتقام جویی هستند و تنـش از زندگی شان می بارد و گاه فاقـد کوچکترین عدالتی در کنش های خود هستند و حاضرند برای بسط سحر و جادوی خود دست به هر کاری بزنند. ولبرگ که پیشتر وصف او رفت در همسویی با ایده های آبانس می گوید: «این چگونه قهرمانی است که ۲۴ ساعته دروغ می گوید، قانون شکنی می کند، اهل کلک و ریا است و اگر چیزی را یاد می گیرد و دوستدار آن است، جادو و شعبده بازی است و هر کتابی که در دست او دیده می شود، ضدفرهنگ عادی و اصیل و از همین قبیل کارها است. هر جور که به قضیه نگاه کنید نمی توانید او را یک الگوی خوبی معرفی کنید و حتی اگر بگویید او از جمله ضدقهرمانان رایج در دنیای کنونی است، باید گفت هیچ ضدقهرمانی این قدر به دنبال ضدارزش ها درون جامعه و محل زیست خود نبوده است.»

اگر دقت کنید

آگنلی که قبلاً نامش را آوردیم، می گوید اگر پاتر قانونی را هم می شکند از روی نیک سیرتی او و به قصد انجام کارهای صالح است. او می افزاید: «بله، هری گاهی کارهای خلاف می کند اما اگر دقت کنید، می بینید که در روای